مبانی رفتار دفاعی ایران

در

جنگ ۸ ساله

نویسنده:قدرت الله قربانی

بسم الله الرحمن الرحیم

مبانی رفتار دفاعی ایران در جنگ ۸ ساله

نویسنده:

قدرت اللّه قربانی

ناشر چاپی:

پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

مبانی رفتار دفاعی ایران در جنگ ۸ ساله

مشخصات کتاب

عنوان:مبانی رفتار دفاعی ایران در جنگ ۸ ساله

نوع مقاله:عمومی

نویسنده:قدرت اللّه قربانی

ناشر:پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس

موضوع:قدرت دفاعی ایران

مقدمه

تهاجم عراق به ایران در سال ۱۳۵۹ که هشت سال به طول انجامید، در شرایط خاص سیاسی، اجتماعی، نظامی و منطقه ای صورت گرفت. با وقوع انقلاب اسلامی ایران و متلاشی شدن نظام امنیت منطقه ای، خلا قدرت در منطقه آشکار شد و رژیم عراق نیز با استفاده از این فرصت به تقویت توان نظامی خود پرداخت؛ زیرا، احساس می کرد که شرایط لازم برای پذیرش رهبری جهان عرب در عراق و منطقه فراهم آمده است. البته، گرایش قدرت های منطقه ای، و جهانی در حمایت از این کشور و احساس خطر از جانب تحولات ایران این تصور را دامن می زد. به عبارت دیگر، مجموعه تحولات دوران انقلاب و بعد از آن در سطوح ملی، منطقه ای و جهانی، عراق را به این نتیجه رساند که با حمله به ایران می تواند به اهداف مورد نظر خود دست یابد. در التهابات سیاسی و انقلابی سال ۱۳۵۹، رفتارهای متفاوتی از ایران مشاهده می شد و شرایط سیاسی، اجتماعی و نظامی خاصی بر آن حکم فرما بود. در این کشور، بعد از سال ها مبارزه انقلابی با رژیم پهلوی، انقلاب اسلامی بر پایه آموزه های دینی و مذهبی با هزینه فراوانی به وقوع پیوسته و دگرگونی های داخلی و خارجی فراوانی را موجب شده و عکس العمل های متفاوتی را برانگیخته بود که ناظران خارجی براساس زمینه های ذهنی و منافع کشور خود و زاویه نگاهشان، برداشت های متفاوت و گاه متضادی از آن داشتند. ملاحظه اجمالی شرایط سیاسی، اجتماعی و نظامی جامعه ایران و عراق و برداشت های زمامداران بغداد نشان می دهد که عراق برای بهره برداری از شرایط موجود، حمله به ایران را گزینه مناسبی یافته و خود را آماده آن کرده بود، در حالی که در ایران، به دلیل همین تحولات در ارکان سیاسی و نظامی، نه تنها زمینه برای اقدام نظامی فراهم نبود، بلکه آمادگی دفاعی برای رویارویی با اقدام نظامی خارجی نیز با مشکلات شدیدی روبه رو بود. بدین ترتیب، مشاهده می شود که رفتار دو کشور تفاوت بسیاری با یکدیگر داشت.

در این مقاله، با بیان جنبه هایی از رفتار تهاجمی عراق، مبانی رفتاری ایران در مقابل این کشور بررسی خواهد شد تا مشخص شود که نحوه رفتار ایران در مقابل تهاجم عراق، بر اساس چه اصول و متأثر از چه متغیرهایی بوده است و این متغیرها تا چه حد در رفتار دفاعی ایران نقش داشته اند. فرضیه این تحقیق بر این پایه استوار است که مبانی رفتاری ایران در طول هشت سال جنگ به ترتیب بر اصول کلی زیر استوار بوده است: ۱) آموزه های دینی؛ ۲) آموزه های ملی؛ ۳) انقلاب اسلامی؛ ۴) ماهیت تجاوز عراق؛ و ۵) شرایط خاص نظام بین الملل.

آموزه های دینی

آموزه های دینی ایران شامل تعالیم اسلام در قالب قرآن و احادیث و اندیشه های متفکران اسلامی و بنیان گذار نظام اسلامی، امام

خمینی (ره) است. قرآن کریم به عنوان منشور مسلم جوامع اسلامی به مواردی مانند جهاد؛ دفاع و حرب؛ و اهمیت دفاع از خود، قوم، کشور و سرزمین بسیار توجه می کند و مبارزه با دشمن متجاوز را جهاد اصغر می نامد؛ جهادی که بر هر فرد مسلمانی واجب و لازم است. در واقع، در نظر قرآن و اسلام، جهاد تلاش و کوشش هر فردی در راه خدا و مبارزه با دشمن مهاجم و به عبارتی دفاع مقدس است که برای دفع دشمن خارجی و تبلیغ دین، مبارزه با دشمنان دین، نجات ستمدیدگان، مبارزه با مفسدین و غیره لازم می باشد.

در این رابطه، می توان به آیات زیر اشاره کرد :

۱) و قاتلو فی سبیل الله الذین یقاتلونکم و لا تقتلوا ان الله لا یحب المعتدین(۱) (در راه خدا با کسانی که با شما مبارزه می کنند، نبرد کنید، ولی هرگز راه ستم را پیش نگیرید که خداوند ستمگران را دوست ندارد).

۲) اذن للذین یقاتلون بانهم ظلموا و ان الله علی نصرهم لقدیر(۲) (به کسانی که با آنان نبرد می شود اجازه داده شده کارزار کنند؛ زیرا، مورد ستم واقع شده اند و مسلماً خدا به یاری آنها تواناست).

۳) و ما لکم لا تقاتلون فی سبیل الله والمستضعفین من الرجال و النساء و الوالدان الذین یقولون ربنا اخرجنا من هذا القریه الظالم اهلها و اجعل لنا من لدنک ولیا و اجعل لنا من لدنک نصیرا(۳) (چرا در راه خدا و در راه آن عده از مردان و زنان و کودکانی که ناتوان و بیچاره اند جهاد نمی کنید؟ آنان می گویند پروردگارا ما را از این شهری که مردم آن ستمگرند بیرون ببر و از جانب خود برای ما سرپرستی معین کن و از خود ما برای ما یاری قرار بده).

این آیات و آیات بسیار دیگری بر لزوم دفاع در مقابل تهاجم خارجی، حفظ حدود، ثغور، و دفاع از جان و مال مسلمانان و در نهایت، دفاع از عقیده در راه خدا تأکید فراوان کرده و آن را از مهم ترین وظایف تمامی مسلمین دانسته اند.

تأثیر این آیات در جریان جنگ، در نام عملیات ها، شعارهای جبهه، سخنرانی های فرماندهان نظامی و سیاسی و در تمامی تعابیر عمومی آحاد مردم مشهود بود، برای نمونه، به کاربردن آیات نصر من الله و فتح قریب، اذاجاء نصرالله و الفتح، انا فتحنا لک فتحاً مبینا و قاتلوهم حتی لا تکون فتنه نحوه رفتار متأثر از آیات قرآن را نشان می داده در واقع، این آیات علت و عظمت پیروزی های به دست آمده از عملیات ها، ادامه جنگ، لزوم مقاتله با دشمن و عدم سازش با آن را تبیین و وظایف رزمندگان ایران برای ادامه مبارزه و مواردی شبیه به آن را بیان می کردند.. هم چنین، تعیین نام عملیات ها مانند والفجر، فتح المبین، بدر، خیبر، مرصاد و غیره کلمات و الگوهای برگرفته از قرآن بود که در رفتار نیروهای ایرانی تاثیر بسزایی داشت.

افزون بر قرآن، در برخی از احادیث ائمه معصومین و سیره آنان نیز اهمیت دفاع از سرزمین خود در مقابل تهاجم خارجی دیده می شود. برای نمونه، حضرت علی(ع) در اهمیت جهاد می فرماید <: جهاد دری است از درهای بهشت که خدا آن را برای بندگان مخصوص و برگزیده اش گشوده است، جهاد پوشش پرهیزکاری و زره محکم و مقاوم خدایی و سپر قابل اطمینان خداست، کسی که جهاد را به حالت سرپیچی و اعراض ترک کند خداوند بر او لباس خواری می پوشاند و زندگی چنین کسی با گرفتاری ها و سختی ها پوشیده می شود و به خفت و زبونی و بیچارگی کشانده شده و بر دلش مهر بی خردی و سبکسری زده می شود و حق از او برگردانده می شود به خاطر این که جهاد را ضایع نموده است و ناگزیر به سستی محکوم و از انصاف و عدالت محروم خواهد بود .(<۴)

با توجه به سخنان مزبور روشن می شود که در لسان ائمه، جهاد و جنگ با دشمن امری ضروری و در عین حال فیض بزرگی است که غفلت و سرپیچی از آن گناه سختی به شمار می رود؛ زیرا، سرنوشت جامعه مسلمانان در گرو حفظ حدود و ثغور کشور اسلامی از شر دشمنان است. از همین رو پیامبر اکرم (ص) می فرماید <: جنگ و ایستادگی در برابر دشمن مایه مجد و عزت است، جنگ نمایید تا مجد و عزت و آزادی را به اولاد خود به ارث بگذارید .(<۵)

رواج و گسترش احادیث ائمه در گفتار و سخنان مسئولان کشور، فرماندهان نظامی و رزمندگان؛ گسترش ادعیه ای مانند کمیل، ندبه، زیارت عاشورا و غیره؛ انتخاب نام عملیات ها از نام معصومین؛ و الگو قرار گرفتن شیوه و سنت ائمه ای چون حضرت علی و امام حسین، به ویژه راه اندازی مراسم مداحی و عزاداری حضرت اباعبدالله، در شکل دهی و تقویت رفتار دینی نیروهای رزمنده نقش ویژه ای را ایفا می کرد؛ نقشی که نتایج بسیار مهمی را نیز به دنبال داشت.

در نظام جمهوری اسلامی، مبانی دفاعی کشور بر اساس اصول دینی اسلام تدوین و از جانب امام خمینی (ره) بیان شده است. البته، قانون اساسی هم، بر حفظ استقلال، تمامیت ارضی، به ویژه حفظ مرزهای سیاسی و عقیدتی نظام جمهوری اسلامی ایران تأکید ویژه ای کرده است.(۶)

امام خمینی (ره) با الهام از تعالیم قرآن و سیره و سنت ائمه اطهار در مقام کسی که بنیان گذار نظام اسلامی و تبیین کننده نظری آن است، ضمن تفکیک جنگ طاغوتی از جنگ توحیدی، جنگ های پیامبران را جنگ های توحیدی می داند که برای گسترش عدالت و حرکت به سوی صراط مستقیم و خداست.(۷) هم چنین، جنگ را تنها در شکل جهاد برای خدا و دفاع از کیان مملکت اسلامی می پذیرد و می گوید که قیام تنها باید برای خدا باشد و تنها قیام و جهاد توحیدی والهی ثمره الهی دارد. امام (ره) با مبنای فکری اسلامی در برخورد با تهاجم عراق به ایران با سخنان و عمل خود چند اقدام مهم را انجام دادند:

۱) معرفی جنگ ایران و عراق به عنوان جنگ اسلام و قدرت های بزرگ (شیاطین)؛

۲) تعبیر دفاع مقدس از دفاع ایران در مقابل عراق؛

۳) معرفی صدام به عنوان مهره و عامل شیاطین؛

۴) تلاش برای حفظ انسجام داخلی؛ و

۵) ارائه روشنگری هایی برای مردم عراق.

ایشان در بیان این که جنگ تحمیلی جنگ بین اسلام و دشمنان اسلا م است، می گویند <: تکلیف ما این است که از اسلام صیانت کنیم و حفظ کنیم اسلام را، کشته بشویم هم تکلیف را عمل کردیم ... شما برای حفظ اسلام دارید می جنگید و او برای نابودی اسلام، الان اسلام به تمامه در مقابل کفر واقع شده است. دفاع یک امر واجب است بر همه کس و به هرکس که هر مقدار قدرت دارد باید دفاع کند از اسلام .<۸ ایشان با تأکید بر ملت ایران می فرمایند بر این ملت است در مقابل جنگی که بر او تحمیل شده است به دفاع برخیزد؛ زیرا دفاع حق مشروع و مسلم این ملت در مقابل متجاوز است به بیان امام خمینی <: به همه مسلمین واجب است که با او قتال کنند، شما به یک واجب الهی عمل بکنید... به همین یک واجب که خدا امر فرموده است به شما و به همه مسلمین که اگر چنانچه یک طایفه ای از مسلمین به طایفه ای دیگر تجاوز کرد باید با او مقاتله کنید .(<۹)

امام خمینی (ره) از طرف دیگر به معرفی ماهیت حقیقی صدام به عنوان اصلی ترین عامل این تجاوز اشاره می کنند و او را ضمن قدرت طلب بودن، مهره استکبار می دانند که سرنوشت جامعه اسلامی را به خطر افکنده است. بدین ترتیب، ایشان در صددند، ماهیت صدام را به ملت ایران و عراق و دیگر جهانیان معرفی کنند <: یک حرفی که با ارتش عراق دارم این است که ارتش عراق با کی جنگ می خواهد بکند؟ طرفدار کی هست و مخالف کی؟ طرفدار صدام است که اشتراکی است و کافر است ... [صدام] با اسلام اصلاً دشمن است این ارتش عراق باید بداند که این جنگ، جنگ با اسلام است به هواداری کفر، که هم خود صدام حسین به حسب حکم شرعی کافر است .(<۱۰) بنابراین، ملاحظه می شود آموزه دینی ایران که از اسلام، قرآن و سیره معصومین نشأت گرفته بود و در کلام رهبر نظام اسلامی، تجلی پیدا می کرد؛ به منزله یکی از مهم ترین مبانی رفتاری ایران در مقابل تهاجم عراق به شمار می رفت. بیان و رفتار امام خمینی (ره) در مقام بالاترین مرجع تصمیم گیری در جنگ در قالب گفتمان دینی بود و وی از این

زاویه به موضعگیری و تهییج افکار عمومی می پرداخت. ایشان سخنان خود را بیشتر خطاب به مسلمانان بیان می کردند و سخنرانی هایشان در بردارنده تعابیر و واژه های اسلامی بود.

در طول جنگ و فراز و نشیب های آن همانند فتح خرمشهر؛ فتح فاو؛ جنگ شهرها؛ بازپس گیری فاو؛ سقوط هواپیمای مسافربری؛ و پایان جنگ و پذیرش قطع نامه ۵۹۸ نیز، علل و نتایج حوادث و وقایع بر اساس آموزه های دینی تعبیر و تفسیر می شد. مصداق بارز این امر را می توان فتح خرمشهر دانست که از نظر رهبران نظام، زمانی به وقوع پیوست که رفتار دینی؛ عقلانیت، شجاعت و ابتکار مبارزان ایرانی به هم گره خوردند. (۱۱) آن جا که امام خمینی (ره) حادثه ای چون فتح خرمشهر را امری فوق طبیعت و توان طبیعی دانستند.

آموزه های ملی

هویت ملی هر کشوری یکی از مهم ترین ابعاد وجودی آن کشور را تشکیل می دهد که در قوام و انسجام یک بخش به کلیت ساختارهای آن نقش اساسی دارد. هویت ملی را می توان مجموعه ای از گرایش ها و نگرش های مثبت نسبت به عوامل، عناصر و الگوهای هویت بخش و یکپارچه کننده در سطح یک کشور به عنوان واحد سیاسی دانست.(۱۲) بر این اساس، هویت ملی به منزله مفهومی مرکب و چند رکنی در نظر گرفته می شود که در سطح ذهنیت و رفتار هریک از افراد جامعه قابل بررسی و جست وجوست. هویت ملی با این ویژگی ابعاد و عناصر سازنده ویژه ای دارد که ابعاد آن بعد اجتماعی، تاریخی، سیاسی، فرهنگی، جغرافیایی، دینی و در نهایت، ادبی و عناصر آن فرهنگ و مواریث گذشته، جغرافیا و سرزمین، زبان، دین، ذهنیت تاریخی، نژاد و موارد دیگر را شامل می شود. هر یک از این عناصر و ابعاد هویت ملی به نوبه خود در انسجام و قوام ملی هر کشوری نقش دارند.(۱۳)

در بررسی هویت ملی ایران، بر وجود عناصر مزبور با تغییرات کمی تأکید می شود، یعنی عناصر هویت ایرانی شامل، جغرافیای سرزمین ایران، تاریخ گذشته کشور، زبان و ادبیات فارسی، دین اسلام، نظام سیاسی، فرهنگ و میراث گذشته ایرانی و قومیت های آن و موارد دیگر مورد نظر است که در طول تاریخ گذشته، برخی از عناصر آن تقویت یا تضعیف شده اند. با وقوع انقلاب اسلامی و تأسیس نظام سیاسی جدید، تعریف هویت ملی ایران، تغییر کرد، به طوری که موقعیت عناصری مانند دین، فرهنگ دینی و نظام سیاسی برجسته تر شد و بدین ترتیب، بعد از انقلاب، عنصر دین با قرائت شیعی در تعریف هویت ملی ایرانی مهم ترین جایگاه را یافت.

جنگ ایران و عراق که در سال ۱۳۵۹ با هدف شکست انقلاب اسلامی ایران و ساقط کردن نظام سیاسی کشور آغاز گردید، یکی از مهم ترین تمهیدات بالفعل هویت ملی ایرانی شد. به عبارت دیگر، ویژگی حمله عراق به ایران تهدید کردن ابعاد گوناگون هویت ملی ایرانی بود. در واقع، هدف اصلی عراق که ضمن همسایه بودن با ایران، وجوه مشترک دینی و فرهنگی زیادی نیز با آن دارد، از بین بردن هویت ملی این کشور بود. الف: جغرافیا

از آن جا که هدف عراق از حمله به ایران تصرف خوزستان بود، این استان نفت خیز و جنوبی کشور در خطر جدایی از ایران قرار گرفت. رژیم صدام با تغییر نام خوزستان به عربستان و خرمشهر به محمره در صدد بود ذهنیت لازم را برای جدایی این استان فراهم آورد.(۱۴) افزون بر آن، درصدد بود اروندرود و مناطق دیگر کشور، حتی در صورت امکان ظرف مدت کوتاهی پایتخت کشور را نیز تصرف کند.

ب: ذهنیت تاریخی

عراق با گسترش اندیشه رهبری قادسیه، در صدد یادآوری خاطرات صدر اسلام، یعنی تصرف ایران به دست اعراب بود؛ بنابراین،

ذهنیت تـاریخی هویت ملی را خـدشه دار می کرد و بـا تأکیـد بر عربی بودن خوزسـتان، می کوشـید تا اقوام عرب ایران را در مقابل حکومت و قومیت های دیگر قرار دهد.(۱۵) ج: دین و ارزش های دینی

عراق بـا گسترش انـدیشه تسـنن و تفکر بعثی در صـدد مقابل هم قرار دادن شـیعه و سـنی بود. هم چنین، وانمود می کرد که انقلاب ایران انقلابی افراطی و بنیادگرایی اسـلامی است که خواهان تسـلط بر جهان اسـلام و اجرای احکام دینی طبق خواست رهبران ایران می باشد.(۱۶) د: نظام سیاسی

یکی از اهداف اصـلی حمله عراق نابودی نظام سیاسی ایران بود؛ زیرا، این نظام که در نتیجه انقلاب اسلامی و حاکمیت ارزش های الهی پدیـد آمـده بود، زمینه هـای تغییرات فرهنگی و مـذهبی زیادی را در منطقه باعث شـده و موجی از انقلابیگری را پدیـد آورده بود. در حمله عراق، تهدید رکن مهم هویت ملی، یعنی بعد سیاسی آن یکی از تهدیدهای اساسی بود.(۱۷)

بنابراین، ملاحظه می شود که با حمله عراق بیشتر عناصر و مؤلفه های هویت ملی ایرانی مورد تهدید جدی قرار گرفت که مهم ترین آنها، جغرافیا، دین و ارزش های دینی، قومیت ها و نظام سیاسـی مسـتقر بود. درباره جغرافیا صـراحت تهدیـد و عملکرد عراقی ها از موارد دیگر بیشتر بود تـا آن جا که صـدام در آبان ماه سال ۱۳۵۹ طی مصاحبه ای می گویـد <: ما از تجزیه و انهدام ایران ناراحت نمی شویم و صـریحاً اعلام می داریم در شرایطی که این کشور دشمنی بورزد هر فرد عراقی و یا شاید هر عربی مایل به تقسیم ایران و خرابی آن خواهـد بود . <و طـارق عزیز، معـاون نخست وزیر عراق نیز، اعلاـم می کنـد <: وجود پنـج ایران کوچـک تر بهـتر از وجـود یـک ایران واحـد خواهـد بود... مـا از شورش ملت هـای ایران پشتیبـانی خواهیم کرد و همه سـعی خود را متوجه تجزیه ایران خواهیم نمود .(<۱۹)

ایران با بررسـی تهدید های عراق علیه عناصـر بنیادین هویت ملی خود که شامل جغرافیا، ذهنیت تاریخی نظام سیاسـی و ارزش های دینی می شـد، یکی از مبانی رفتار خود را، حفظ هویت ملی بر اساس آموزه های ملی قرار داد، این آموزه های ملّی به هر ایرانی یاد می دهد که در برابر تهدید دشمن خارجی علیه هویت ملی و عناصر آن مبارزه و از آنها دفاع کند؛ بنابراین، آموزه مزبور تأثیر بسیار زیادی در ایجاد انسـجام ملی و دفاع داشت. بدین صورت، قومیت های مختلف کرد، ترک، بلوچ، عرب و غیره بدون در نظر گرفتن نوع قومیت خود، برای دفـاع از جغرافیـا، حکومت و ارزش هـای دینی کوشـیدند و در این راسـتا، بـا یکـدیگر همکاری کردنـد. هم چنین، اقلیت های دینی با احساس تهدیـد تمامیت ارضـی کشور بـدون توجه به تفاوت اعتقادی به دفاع از کیان مملکت پرداختنـد و حتی برخی از افراد بی اعتنا به نظام سیاسی موجود نیز برای حفظ تمامیت کشور خود در دفاع از کشور شرکت کردند.

بنابراین، با حمله عراق و در نتیجه تهدید عناصر و ابعاد سیاسی، دینی و فرهنگی هویت ملی مبنای رفتاری ایران بر اساس آموزه های ملت که همـان دفـاع از هویت ملی ایرانی است، قرار گرفت که در عمـل، نتایـج درخشـانی نیز در پی داشت. گسترش فرهنگ های قومی و موسـیقی هـای حماسـی قومیت هـا، افزایش مشـروعیت سیاسـی نظام، اسـتحکام ارزش های دینی و تقویت آموزه های دینی توسط دین و در نهایت، حفظ تمامیت ارضی از جمله این نتایج بود.

انقلاب اسلامی

بین انقلاب اسلامی و جنگ ایران و عراق ارتباط ذاتی و جداناپذیری وجود دارد. از دیدگاه فلسفه علم تاریخ می توان جنگ هشت سـاله را بسـط کوتـاه مـدت تـاریخی یـا حـادثه منتـج تاریخی از انقلاب دانست. با نگاه دقیق تر می توان دریافت که با وقوع انقلاب اسـلامی در ایران، ساختارها و ترتیبات سیاسـی، امنیتی، اقتصادی و نظامی حاکم بر منطقه خلیـج فارس در سال ۱۳۵۹ فرو ریخت که نتیجه آن حـذف شـاه به عنوان حـامی منـافع امریکا، تشـکیل حکومتی با ایـدئولوژی اسـلام انقلابی، آگاهی سیاسـی توده های عامه کشورهای همسایه و تأثیرپـذیری شدیـد آنها و فراهم شـدن امکان صدور ایدئولوژی انقلابی به کل منطقه بود که حاکمیت سیاسـی

حکام همسایه را تهدیـد می کرد. از همین رو، مبارزه با انقلاب اسـلامی و تأثیرات فرامرزی آن در صدر اهداف عراق و حامیان آن کشور قرار گرفت؛ زیرا، غربی هـا وقوع انقلاـب اسـلامی و تـأثیرات ناشـی از آن را برای منافعشان، ثبات کشورهای مرتجع منطقه و اسرائیل تهدیدی بزرگ می دانستند؛(۲۰) بنابراین، مبارزه با انقلاب اسلامی و نابودی ساختار ناشی از آن یکی از اهداف اصلی آنها برای بازگردندان نظم پیش از انقلاب بود.

به همین دلیل، انقلاب اسلامی و حفظ آن یکی از مبانی رفتاری مهم ایران در مقابل تهاجم عراق محسوب می شد. به عبارت دیگر، دولتمردان ایران در آن شـرایط این نکته را می دانسـتند که دلایل دیگری مانند توسـعه طلبی ارضی، اختلافات ارضی، مسائل اعراب خوزسـتان و غیره تنهـا در پرتو هـدف اصـلی عراق، یعنی شـکست انقلاـب ایران می توانست توجیه شود تـا آن جـا که عراقی ها در توجیه علل آ غاز جنگ بر مفهوم حقوقی پیشگیری اشاره می کردند. البته، باید یادآور شد که هدف آنها از پیشگیری، جلوگیری از تأثیرات انقلاب در کشورشان بود.(۲۱)

وقوع انقلاب اسـلامی که تغییرات گسترده سیاسـی، اجتماعی و ... را در ساختارهای جامعه ایجاد کرده بود، موجب اقدامات انقلابی ناشـی از ضـرورت و ماهیت انقلاب شد. پیش از آغاز جنگ، این اقدامات تأسـیس سـپاه پاسداران انقلاب اسـلامی برای حفاظت از دسـتاوردهای انقلاب، کمیته انقلاب اسـلامی برای گسترش نظم و امنیت اجتماعی و بسـیج مستضعفین برای مشارکت همگانی توده های مردمی در حفاظت از دسـتاوردهای انقلاب و برقراری امنیت اجتماعی و نهادهای دیگریماننـد، جهادسازندگی، بنیاد مسـکن، بنیاد مستضعفان و دیگر نهادهای انقلابی را شامل می شد. آغاز جنگ نگرش و رفتار انقلابی دولتمردان را دوچندان کرد. این امر با عزل بنی صدر از ریاست جمهوری شتاب بیشتری به خود گرفت. نگرش و رفتار مزبور در دوران جنگ توانمندی های خود را نشان داد و در حفظ و تثبیت دستاوردهای انقلاب اسلامی نقش بارزی را ایفا کرد.

در عرصه سیاست خارجی و فعالیت های بین المللی، هـدف اصـلی بیشتر به صدور انقلاب اسـلامی معطوف بود به ویژه در نخستین سال های انقلاب سعی می شد تا به جای دولت ها با ملت ها ارتباط برقرار شود.

در عرصه نظامی نیز، رفتار انقلابی تحت تأثیر شـرایط جنگی قرار گرفت، بدین معنی که درپی عملی شدن تهدیدات دشمن خارجی علیه موجودیت نظام اسلامی و شرایط خاص نیروهای نظامی، نهادهای انقلابی تازه تأسیس امکان رشد یافتند. این نهادها مانند سپاه، بسـیج و جهاد سازندگی به طور مسـتقیم درگیر جنگ شدند؛ به طوری که مسئولیت عمده این جنگ بر عهده آنها گذاشته شد. این مسئله زمانی گسترش یافت که تلاش ارتش برای دفع حملات عراق نتایج چندانی در پی نداشت. بدین ترتیب، زمینه انجام اقدامات انقلابی یا مدیریت انقلابی جنگ فراهم شد که می توان عمل در خارج از قالب های کلاسـیک را از جمله ویژگی های آن دانسـت کـه در نـتیجه آن، سپاه بـه منزلـه نمـونه برجسـته نهادهـای انقلاـبی کـه چهره و عملکردی نظـامی داشت، تـوانست بـا به کـارگیری فرمانـدهان جوان و جسور فرمانـدهی جنـگ را بر عهـده بگیرد و در عملیـات هایی چون بیت المقـدس، طریق القـدس، فتـح المبین، والفجر۸ و کربلای۵، به موفقیت هـای چشـمگیری دست یابـد. نتایـج بسـیار بزرگ این عملیـات هـا، به تغییر ساختـاری و گسـترش سازمـانی این نهادها از نظر کیفی و کمی منجر شـد. که بیشتر تحت تأثیر جنگ و نگاه انقلابی بـدان و دفاع از انقلاب و ارزش های ناشی از آن بود.

در عرصه دینی، انقلاب به منزله یکی از اصول و ارزش های بنیادی جامعه تلقی می شـد که دفاع از آن همانند دفاع از تمامی اصول ملی و دینی واجب و ضروری بود.

بدین ترتیب، تصـمیم گیرندگان سیاسـی و رزمندگان عرصه های نبرد از زاویه ارزش های انقلاب اسلامی به جنگ نگاه می کردند و رفتاری مبتنی بر تفکرات انقلابی داشتند. آنها جنگ را تبلور اراده مخالفان نظام انقلابی خود می دیدند که از جانب صدام به اجرا در آمـده بود؛ بنـابراین، ضـمن یـافتن پاسـخ و اراده معطوف بـدان در آموزه های انقلاب اسـلامی، در صـدد دفاع از ارزش های آن

بر آمدند.

ماهیت تجاوز عراق

کشور عراق در شهریور ماه سال ۱۳۵۹، خاک ایران را از طریق زمین و هوا مورد تجاوز مستقیم خود قرار داد. این کشور با به کارگیری چندین لشکر پیاده و زرهی به استان های کرمانشاه، ایلام، کردستان و خوزستان ایران حمله کرد و قسمت هایی از قلمرو ایران شامل شهرهایی چون خرمشهر، مهران، بستان و نفت شهر را به تصرف خود در آورد.

دولت عراق بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، به ویژه در نیمه اول سال ۱۳۵۹، تحرکات و تجاوزات متعددی را علیه قلمرو ایران مرتکب شد و در شهریورماه همان سال با هجوم سراسری به خاک ایران تمام قوانین بین المللی را زیر پا گذاشت و جنگ هشت ساله را که مصداق بارز تجاوز نظامی یک کشور به کشور دیگر بود، آغاز کرد. اهداف عراق از انجام چنین تجاوزی را می توان به شکل زیر خلاصه کرد:

۱) شکست انقلاب اسلامی و سقوط نظام سیاسی ایران؛

۲) تصرف خوزستان و بخش هایی از خاک ایران؛ و

۳) تسلط بر اروند رود. عراق برای دستیابی بدین اهداف مجموعه ای از اقدامات سیاسی و نظامی را پیش از جنگ، به ویژه در خوزستان انجام داد که مهم ترین آنها عبارت بودند از:

۱) تشکیل و سازماندهی جوانان عرب در راستای اهداف عراق؛

۲) دامن زدن به اختلافات میان ساکنان عرب و غیرعرب خوزستان؛

۳) نفوذ در بیت آیت الله شبیر خاقانی و القای نظرات خود به وی و اطرافیانش؛

۴) انجام دادن اقدامات خرابکارانه در مواضع حساس اقتصادی و نظامی خوزستان؛ و

۵) ارسال اسلحه برای عشایر عرب خوزستان و مسلح کردن آنها.(۲۲) اما در طول جنگ، ماهیت عملکرد عراق ویژگی های خاص خود را داشت که مهم ترین آنها شامل موارد زیر بود:

۱) حمله به مناطق غیرنظامی و ایجاد جنگ شهرها؛

۲) حمله به کشتی های تجاری و آغاز جنگ نفتکش ها؛

۳) به کارگیری سلاح های شیمیایی علیه نیروهای نظامی و غیرنظامی؛ و

۴) حمایت از مخالفان نظام اسلامی. از این میان، حملات مکرر عراق به مناطق غیرنظامی و شهرها و روستاهای ایران با هدف ایجاد جو روانی در میان مردم علیه حکومت انجام می شد که کشته و مجروح شدن انسان های بی گناه بسیاری و تخریب مناطق مسکونی زیادی را به دنبال داشت.

به کارگیری سلاح های شیمیایی علیه نظامیان و غیرنظامیان ایرانی – و حتی کرد عراقی – نیز نشان دهنده یکی دیگر از ابعاد ماهیت عراق است. این کشور در سطح وسیعی از سلاح های مزبور در مناطق نظامی و غیرنظامی ایران مانند پیرانشهر، مریوان، سردشت، بانه، آبادان و دیگر شهرها استفاده کرد. وسعت استفاده از این سلاح ها به حدی بود که در نهایت، شورای امنیت را به نشان دادن واکنش واداشت؛ به طوری که این شورا با صدور قطع نامه ای آن را محکوم کرد و کارشناسان سازمان ملل نیز بدان لقب جنایت ضدبشری دادند.(۲۳)

آغاز تجاوز و اقدامات گسترده عراق در طول جنگ با حقوق بین المللی و قواعد عرفی مغایر بود. عملکرد این کشور، به ویژه عدول و نادیده گرفتن قوانین بین المللی و حقوق بشر نشان داد که رژیم بغداد برای رسیدن به اهداف خود از توسل به هیچ اقدامی

فروگذار نیست.

با توجه به ویژگی ها و ماهیت تجاوز عراق، زمامداران و مردم ایران به این نتیجه رسیده بودند که ایران با کشوری روبه رو ست که برای تحقق اهداف نامشروع خود به هر عملی متوسل می شود، حقوق و قواعد بین المللی را مد نظر قرار نمی دهد. و به اصول اخلاقی و انسانی توجه نمی کند. بنابراین، تنها راه مقابله با چنین دشمنی مبارزه نظامی در صحنه نبرد و شکست آن بود، یعنی در مقابل کشوری چون عراق امکان هیچ گونه مصالحه، سازش و مذاکره وجود نداشت و تنها راه مقابله با آن، انجام عملیات های نظامی و کسب موفقیت برتر نظامی در صحنه جنگ بود. مصداق بارز این امر را می توان در شرایط زمانی پس از فتح خرمشهر مشاهده کرد. در آن زمان، ایران از میان گزینه هایی موجود، یعنی پذیرش درخواست صلح بدون عقب نشینی کامل عراق، ترک مخاصمه بدون اتمام جنگ، تلاش نظامی برای کسب پیروزی های جدید تا تحقق حقوق خود، چاره ای جز پذیرش راه حل سوم نداشت. ایران به دلیل ماهیت حکومت عراق و شخص صدام مطمئن نبود که در صورت پذیرش آتش بس و نه صلح، عراق با تجدید توان نظامی خود دوباره به ایران حمله نکند و حتی در صورت برقراری آتش بس، حاضر به عقب نشینی باشد. در عین حال، پس از فتح خرمشهر، عراق هنوز حدود پنج هزار کیلومتر از خاک ایران را در اشغال خود داشت.(۲۴) مصداق دیگر آن در پایان جنگ پس از پذیرش قطع نامه ۵۹۸، یعنی زمانی است که شرایط داخلی ایران و نظام بین الملل و حتی شرایط خود عراق هم آماده پذیرش قطع نامه و برقراری آتش بس بود که علی رغم پذیرش قطع نامه از سوی ایران نیروهای عراق حتی پس از پذیرش قطع نامه از سوی خود دولت عراق، دوباره خاک ایران را به طور همه جانبه با همکاری منافقین هدف حمله قرار دادند که البته، با دفاع نیروهای ایرانی به عقب رانده شدند.(۲۵) حمله عراق به کویت در سال ۱۳۶۹ نیز نمونه دیگری است که تمامی تحلیل های حامیان غربی و شرقی خود را درباره وفاداری بغداد نسبت به آنها نقش بر آب کرد. عراق با استفاده از توان نظامی به کویت که در زمان جنگ متحدش بود، حمله کرد و بدین ترتیب، در مقابل کشورهای غربی و دیگر متحدانش، قرار گرفت؛ متحدانی که توان نظامی خود را از آنها دریافت کرده بود و در واقع، در طول جنگ هشت ساله، با همین کمک ها سرپا ایستاد. افزون بر اینها، جنایت های صدام نسبت به مردم عراق دلیل روشنی بر ماهیت ضدانسانی، غیرمشروع و ضد بشری اوست. این امر نشان می دهد که رژیم کنونی عراق به هیچ وجه قابل اعتماد نیست. بنابراین، یکی از مبانی رفتاری ایران در طول جنگ به ماهیت عملکرد عراق و بی اعتمادی ناشی از آن معطوف بود، یعنی بر اساس این که:

۱) عراق طبق اصول و قوانین بین المللی و حقوقی متجاوز است؛

۲) این کشور برای تأمین خواسته های خود تمام قوانین حقوقی را زیر پا می گذارد؛ و

۳) تنها با قدرت می توان با قدرت عراق مقابله کرد و از تبعات منفی فزون تر آن در امان بود.

از این رو، مقابله نظامی مناسب ترین راه برای حل معضل و مشکل صدام و حفظ تمامیت ارضی و استقلال کشور بود؛ بنابراین، حداکثر توان و امکانات کشور در این راستا سازماندهی شد.

جایگاه ایران در نظام منطقه ای و بین المللی

وقوع انقلاب اسلامی و تغییر نظام سیاسی ایران ساختارهای امنیتی، سیاسی و نظامی منطقه خلیج فارس را متحول کرد. پس از انقلاب، ایران حامی منافع امریکا و برخی از کشورهای منطقه نبود و حتی در مقابل منافع آنها نیز قرار گرفت. این امر شرایط خاصی را در سطح نظام بین الملل و منطقه برای این کشور پدید آورد؛ شرایطی که باعث شد تا ایران نگرش و رفتار خاصی را در مقابله با عراق در پیش گیرد.. در سطح منطقه ای، جایگاه ایران در تعامل با کشورهای همسایه و کشورهای شورای همکاری خلیج فارس و در سطح بین المللی، نگرش و درک این کشور از سازمان های بین المللی، به ویژه شورای امنیت و کشورهای قدرتمند جهانی مانند

امریکا، شوروی، فرانسه و انگلستان در عملکردش در جنگ مؤثر بود. الف) جایگاه منطقه ای ایران
بعد از انقلاب، جایگاه منطقه ای ایران بسیار تغییر کرد. با وقوع انقلاب و صدور امواج آن، بیشتر کشورهای همسایه مانند ترکیه، عراق، پاکستان و افغانستان و کشورهای شورای همکاری خلیج فارس شامل کویت، عربستان، امارات، قطر، عمان و بحرین احساس نگرانی و تهدید کردند. کشورهای محافظه کار حاشیه خلیج فارس حدود هشت ماه پس از آغاز جنگ تحمیلی به علت هراس از گسترش انقلاب و تلقین و تبلیغ رسانه های گروهی غرب درباره خطرات ناشی از آن گرد هم آمدند و شورای همکاری خلیج فارس را تأسیس کردند.(۲۶) تأسیس این شورا که در راستای اهداف امریکا برای حفظ منافع خود در منطقه انجام شد، برای کشورهای عضو این امکان را فراهم آورد تا از یک طرف، سیاست حمایت خود را از عراق و از طرف دیگر، موضعگیری در مقابل ایران را در قالب هماهنگ تصمیمات شورا انجام دهند. در واقع، استراتژی شورای همکاری خلیج فارس در برخورد با موضوع جنگ ایران و عراق با استراتژی امریکا تفاوت ماهوی نداشت، اما برای شورا تبعات پیروزی ایران در جنگ از تبعات پیروزی عراق سنگین تر بود. البته، این شورا پیروزی عراق را نیز خواستار نبود و در طول جنگ، ضمن حفظ احتیاط از جانب ایران، سعی داشت با صدور قطع نامه هایی از عراق حمایت کند. افزون بر آن، برخی از کشورهای شورا مانند عربستان و کویت نسبت به دیگر کشورها کمک های نظامی، اقتصادی و سیاسی بیشتری به عراق کردند.(۲۷)

البته، شورا در مواقعی که ایران به پیروزی های درخور توجهی دست می یافت، جداً احساس خطر می کرد و با برگزاری اجلاس به موضعگیری صریح اقدام می نمود و به طور مستقیم، نسبت به تحرکات ایران عکس العمل نشان می داد. برای نمونه، در مقابل تهدید ایران درباره بستن تنگه هرمز، هشدار داد که ممالک عضو شورای همکاری از قدرت کافی برای دفاع از خود برخوردارند و هر گونه تلاش برای بستن تنگه هرمز حضور نیروهای خارجی را در منطقه باعث خواهد شد.(۲۸)
بنابراین، در یک جمع بندی کلی، ملاحظه می شود که شورای همکاری خلیج فارس و اعضای آن با هدف کنترل امواج انقلاب ایران و جلوگیری از پیروزی نظامی و سیاسی این کشور در جنگ با ارائه کمک های نظامی و سیاسی به عراق، عملاً یکی از بزرگ ترین حامیان بغداد در طول جنگ بودند. در واقع، از همان آغاز جنگ، کشورهای شورا عراق را از حمایت های سیاسی گسترده خود بهره مند کردند. برای نمونه، می توان به بخش اعظم بیانیه های اجلاس های شورا خاصه اجلاس های وزیران خارجه و سران که به اعلام حمایت از مواضع عراق در جنگ اختصاص می یافت، اشاره کرد.
رفتار شورا در طول جنگ، کمک های کلان برخی از اعضای آن مانند کویت و عربستان و حمایت های سیاسی - تبلیغاتی از عراق به منزله نقض اصول و قواعد بی طرفی دولت ها در جنگ بود، به طوری که جای هیچ گونه اعتمادی باقی نمی گذاشت. در واقع، جمهوری اسلامی ایران اثری از حق طلبی و حتی قانونمداری را در رفتار اعضای شورا نمی دید. رفتار جانبدارانه آنها از عراق واقعیتی بود که در شکل گیری نگرش و رفتار ایران تأثیر داشت. نقش شورای همکاری خلیج فارس در مقابل ایران در مقایسه با نقش سازمان کنفرانس اسلامی یا جنبش عدم تعهد، دقیقاً یک نقش فعال بود، یعنی اگر سازمان های مزبور در راستای منافع ایران گام بر نمی داشتند، علیه منافع این کشور نیز اقدام نمی کردند، اما شورای همکاری به طور مستقیم و غیرمستقیم و با ارائه کمک های سیاسی، نظامی و تبلیغاتی به عراق شرایط خاصی را برای ایران پدید آورد که مبنای عملکرد و رفتار این کشور شد، بدین معنی ایران از عدم کمک های آن شورا به عراق و برخورد عادلانه با خود اطمینان نداشت.(۲۹)
هر چند کشورهای همسایه ایران مانند ترکیه، پاکستان و افغانستان نسبت به جنگ ایران و عراق اعلام بی طرفی رسمی کردند، اما در واقع، موضع آنها بیشتر متاثر از منافع اقتصادی و ارتباط آنها با دوبلوک قدرت جهانی بود. ترکیه هم از طریق تجارت با ایران و هم با حفظ مناسبات با عراق از نظر اقتصادی سود سرشاری از این جنگ نصیب خود کرد. هر چند این کشور در قبال جنگ ایران و

عراق با مسائلی چون اسلام گرایی، ناسیونالیسم کردی، توسعه اقتصادی و مهاجرت ایرانیان به ترکیه روبه رو بود،(۳۰) اما در کل، سیاستش از بلوک غرب، به ویژه امریکا متأثر بود. در عین حال، برای سیاست خارجی ترکیه حفظ روابط با ایران و عراق، حفظ امنیت منطقه ای و تلاش برای کسب درآمدهای اقتصادی حاصل از جنگ اولویت داشت. از این رو، هیچ گاه در طول جنگ، از مواضع ایران حمایت نکرد، بلکه همواره به منزله یک دولت بی طرف و در برخی از مواقع، هنگامی که ایران به پیروزی های بزرگی دست می یافت، احساس خطر می کرد و در کل، نمی توانست به عنوان متحد در کنار ایران قرار گیرد.(۳۱)

پاکستان به منزله یکی از حامیان امریکا در منطقه علی رغم آن که در قالب سازمان کنفرانس اسلامی و جنبش عدم تعهد تلاش هایی را برای برقراری صلح انجام داد، اما به علت ماهیت حکومت خود و نیز حضور محسوس امریکا نمی توانست در حمایت از ایران اقدام مؤثری انجام دهد.

بنابراین، ملاحظه می شود که در سطح منطقه ای، ایران در طول جنگ به طور مستقیم از حمایت هیچ کشور یا سازمان منطقه ای برخوردار نبود. هر چند دو کشور سوریه و لیبی در سطح سیاسی از ایران حمایت می کردند، اما حمایت آنها در مقابل طرفداری کشورهای شورای همکاری و دیگر کشورهای منطقه از عراق، بیشتر بازدارنده بود. به عبارت دیگر، رفتار ایران در سطح منطقه ای با توجه به عدم حمایت کشورها و سازمان های منطقه ای از کشور ما و ارائه کمک های فراوان به عراق ، امکان استفاده از توان آنها برای ایران سلب می شد و این واقعیت را پذیرفته بود که در سطح منطقه ای، باید تنها به توان نظامی و سیاسی خود اتکا کند و از کمک و حمایت سوریه و لیبی بیشتر در راستای جلوگیری از اتحاد اعراب علیه خود بهره می جست و به این صورت درصدد بود از تحقق ایده عراق مبنی بر تبدیل جنگ ایران و عراق به جنگ فارس و عرب یا شیعه و سنی جلوگیری کند. ب) جایگاه بین المللی ایران

جایگاه ایران در نظام بین المللی در درجه نخست از سقوط شاه و تغییر نظام سیاسی ایران متأثر بود. وقوع انقلاب اسلامی و تأسیس نظام سیاسی مبتنی بر ارزش های اسلامی، عکس العملی را در سطح جهانی پدید آورد که موقعیت ایران را رقم زد.- این موقعیت را با توجه به وجود دو بازیگر در صحنه جهانی می توان در دو سطح بررسی کرد.

نخست، جایگاه ایران نسبت به کشورهای قدرتمند و دوم نسبت به سازمان های بین المللی .

جایگاه ایران نسبت به قدرت های جهانی

مناسبات و روابط ایران با قدرت های جهانی مانند امریکا، شوروی ، فرانسه، انگلستان و چین تحت تأثیر وقوع انقلاب اسلامی در ایران دگرگون شد و با برخی از آنها، به ویژه امریکا از دوستی و اتحاد به دشمنی و خصومت رسید. با آغاز جنگ، بیشتر آنها آشکارا از عراق حمایت کردند و برخی نیز چون شوروی نخست اعلام بی طرفی و در نهایت به طرف عراق متمایل شدند. امریکا با وجود اعلام بی طرفی به طور مستقیم و غیرمستقیم به حمایت از عراق برخواست، به طوری که حتی با ایران به طور مستقیم نیز درگیر شد. انگلستان و چین هم ضمن اعلام بی طرفی در طول جنگ، کمک های خاصی به عراق ارائه دادند. البته، باید یادآور شد که از این میان، چین به ایران نیز سلاح می فروخت.

نکته در خور توجه آن که، در نحوه برخورد این کشورها با ایران تفاوت هایی وجود داشت که به برخی از آنها اشاره خواهد شد.

هر چند امریکا نسبت به جنگ اعلام بی طرفی رسمی کرد، اما با آغاز پیروزی های عمده ایران در جنگ عملاً وارد صحنه شد و از نظر سیاسی – نظامی و اقتصادی از عراق حمایت کرد. استراتژی کلی امریکا در مقابل ایران را در طول جنگ می توان در موارد زیر بر شمرد :

۱) جلوگیری از شکست عراق؛

۲) جلوگیری از پیروزی ایران در جنگ؛

۳) اعمال فشارهای سیاسی و دیپلماتیک از طریق شورای امنیت و تصویب قطع نامه های لازم الاجرا؛

۴) کمک به ایجاد یک اتحاد عربی در مقابل ایران؛

۵) مهار و کنترل ایران و جلوگیری از ورود تسلیحات استراتژیک به ایران؛

۶) اعاده حیثیت سیاسی امریکا در منطقه با حمایت از دولت های محافظه کار منطقه؛ و

۷) انصراف توجه افکار عمومی جهانی از اسرائیل به جنگ ایران و عراق .(۳۲)

امریکا برای کنترل جریان جنگ، به ویژه از سال ۱۳۶۱ به بعد، با تشویق حامیان منطقه ای و کشورهای اروپایی به حمایت از عراق، پشتیبانی از این کشور در شورای امنیت و سازمان های دیگر و تلاش برای تحریم تسلیحاتی ایران نقش موثری را در جنگ ایفا کرد و بدین ترتیب، کوشید تا به هر نحو ممکن از پیروزی ایران و شکست عراق جلوگیری کند. واشنگتن برای دستیابی بدین هدف کمک های نظامی زیادی به عراق کرد و در نهایت، شرایط جهانی را به سوی بین المللی شدن جنگ و حتی درگیری با ایران پیش برد تا بدین ترتیب، بتواند ایران را به پذیرش قطع نامه ۵۹۸ وادار کند؛ بنابراین، ایران در طول جنگ از سوی امریکا از راه های مختلف تحت فشارهای سیاسی، اقتصادی، نظامی و تبلیغاتی قرار گرفت؛ و دولت ایران در نحوه رفتار با عراق، استراتژی امریکا را نیز می بایست مدنظر قرار می داد. به عبارت دیگر، عملکرد امریکا در جنگ یکی از مبانی رفتاری ایران در مقابل عراق بود که در روند و نتایج آن تاثیر فراوانی به جای گذاشت.

هرچند شوروی مانند امریکا در جریان جنگ نقش نداشت، اما از آن جا که عراق یکی از متحدان استراتژیک این کشور محسوب می شد و نیز به علت ویژگی های انقلابی جامعه جمهوری اسلامی حاضر به پذیرش پیروزی ایران نبود؛ از این رو، پس از سال ۱۳۶۱، از موضع بی طرفی دست برداشت و به سوی عراق متمایل و در نهایت نیز، به یکی از حامیان جدی آن کشور تبدیل شد. بدین ترتیب، ارائه کمک های نظامی شوروی به عراق که پیش از آن آغاز شده بود، به شدت افزایش یافت و روس ها به عمده ترین صادر کننده سلاح و تجهیز کننده ساختار نظامی عراق تبدیل شدند.(۳۳) شوروی که پیروزی ایران را تهدیدی علیه خود می دانست از نفوذ انقلاب اسلامی در جمهوری های جنوبی شوروی و موضعگیری ایران در قبال اشغال افغانستان سخت نگران بود.(۳۴) از همین رو، استراتژی این کشور نیز در راستای استراتژی امریکا مبنی بر حمایت از عراق برای جلوگیری از پیروزی ایران و در نهایت، پایان جنگ بدون طرف برنده بود. البته، باید یادآور شد که روس ها شدت و حساسیت امریکاییان را نداشتند. شوروی در عمل از ایران هیچ گونه حمایتی نکرد، هرچند در شورای امنیت در برخی از موارد به ضرر ایران هم موضع نگرفت و در مواقعی، تعادل را ایجاد کرد، اما موضعش به عنوان یک ابرقدرت جهانی که در همسایگی ایران قرار داشت، دوستانه نبود و نوعی دوگانگی ایدئولوژیک در آن دیده می شد. عراق نمی توانست به نسبت ایران از امتیاز هم جواری و همسایگی و موقعیت ژئوپلیتیکی برخوردار باشد، اما در حالی که بین نظام سیاسی ایران و شوروی فاصله ایدئولوژیکی زیادی وجود داشت، بین عراق و شوروی هماهنگی ایدئولوژیکی و روابطی استراتژیک برقرار بود و این واقعیتی بود که بر برداشت و رفتار ایران در طول جنگ هشت ساله در مقابل عراق تأثیر گذاشت.

دیگر قدرت های جهانی مانند فرانسه، انگلستان و چین نیز عملاً موضع مناسبی نسبت به ایران نداشتند. از میان آنها، فرانسه با اعلام حمایت آشکار از عراق در طول جنگ یکی از بزرگ ترین صادرکنندگان اسلحه به عراق و از شرکای تجاری آن کشور محسوب می شد.(۳۵)

کشورهای دیگر اروپای غربی به دلیل آن که منافع خود را در طول جنگ با منافع امریکا گره زده بودند و به حمایت امریکا امید داشتند، دیدگاه ها و مواضع و عملکردشان را نیز در راستای استراتژی امریکا تنظیم می کردند. جلوگیری از پیروزی ایران در جنگ مهم ترین دیدگاه مشترک این کشورها بود؛ زیرا، از نظر آنها، پیروزی ایران بر عراق به گسترش بنیادگرایی اسلامی در بین کشورهای نفت خیز منطقه منجر می شد و شریان حیاتی جهان صنعتی را تهدید می کرد.(۳۶)

در طول جنگ، ایران نمی توانست به حمایت یا دست کم مواضع عادلانه کشورهای اروپایی و قدرت های بزرگ جهانی امیدوار باشد؛ زیرا، برای همه آنها پیروزی ایران در جنگ یک واقعیت غیرقابل پذیرش بود؛ و می کوشیدند با ارائه انواع کمک ها به عراق از پیروزی ایران جلوگیری کنند. از این رو، ایران در سطح جهانی با قدرت های بزرگ مناسبات خوبی نداشت و نه تنها نمی توانست از موقعیت جهانی آنها برای احقاق حقوق خود استفاده کند، بلکه برعکس از راه های مختلف تحت فشارهای سیاسی، نظامی و اقتصادی آنها قرار داشت؛ واقعیتی که دولتمردان ایرانی آن را پذیرفته بودند؛ بنابراین، در رفتار ایران در مقابل عراق، این مسئله یکی از متغیرهای اساسی محسوب می شد که تنهایی ایران را در عرصه جهانی دیکته کرده بود.

نگرش جمهوری اسلامی ایران به سازمان های بین المللی

شورای امنیت مهم ترین مرجع بین المللی درگیر با جنگ ایران و عراق بود، ترکیب شورای امنیت شامل پنج عضو دائم و ده عضو دوره ای است. این شورا بر اساس بند ۱ ماده ۴۱ منشور ملل متحد مسئولیت حفظ صلح و امنیت بین المللی را بر عهده دارد و برای اجرای این مسئولیت می تواند از اهرم های اجرایی استفاده کند.

یک روز پس از آغاز حمله عراق به ایران، شورای امنیت با صدور بیانیه ای رسمی از این جنگ تنها با نام وضعیت یاد کرد و از به کار بردن عنوان تجاوز خودداری نمود. سپس، در ۶ مهرماه ۱۳۵۹، طی صدور قطع نامه ۴۷۹، از ایران و عراق خواست تا اصول عدالت و حقوق بین الملل را بپذیرند، اما به تجاوز عراق و لزوم عقب نشینی نیروهای این کشور به مرزهای بین الملل هیچ اشاره ای نکرد.(۳۷) پس از آن تا تیرماه سال ۱۳۶۱، اقدام خاصی درباره پایان بخشیدن به این جنگ انجام نداد تا این که با برتری ایران در جنگ و آشکار شدن احتمال شکست عراق، موضوع جنگ را دوباره بررسی و قطع نامه ۵۱۴ را صادر کرد که در آن، بر خاتمه عملیات نظامی، برقراری آتش بس، عقب نشینی نیروهای دو طرف به مرزهای بین المللی و لزوم دستیابی به راه حل صلح آمیز تأکید کرد.(۳۸)

اما این قطع نامه علی رغم قرار گرفتن ایران در موقعیت نظامی برتر، پیش از برقراری صلح، خواسته های برحق این، کشور را مانند شناسایی متجاوز، تنبیه آن و عقب نشینی را در نظر نگرفت. در نتیجه، ایران نیز به علت نادیده گرفتن واقعیت های جنگ آن را رد کرد. هدف شورای امنیت از صدور این قطع نامه، جلوگیری از ورود نیروهای ایرانی به داخل خاک عراق تحت عنوان به خطر افتادن صلح و امنیت بین المللی بود.(۳۹) هم چنین، این شورا بعد از عملیات والفجر مقدماتی، قطع نامه ۵۲۲ و با گسترش دامنه جنگ به خلیج فارس قطع نامه ۵۴۰ را منتشر و در آن، حملات به مناطق مسکونی ایران را بدون یادآور شدن نام عراق محکوم کرد.(۴۰) با استفاده گسترده عراق از سلاح شیمیایی علیه نیروهای ایرانی و شکایت ایران، شورا با صدور بیانیه ۳۰ مارس ۱۹۸۴ (۱۰/۱/۶۳) به نکوهش دولت عراق بسنده و در ادامه، قطع نامه ۵۵۲ را با گسترش حملات به کشتی ها در خلیج فارس منتشر کرد که در آن، ضمن ابراز نگرانی شدید از حمله به کشتی های تجاری در مسیر بنادر کویت و عربستان، از دولت ها درخواست شده بود که قوانین بین المللی کشتیرانی را محترم شمارند. دولت ایران این قطع نامه را نیز رد کرد؛ زیرا، علی رغم حملات مکرر عراق به کشتی ها در خلیج فارس از این کشور نامی برده نشده بود.(۴۱) شورا در ادامه جنگ، بیانیه های دیگری را هم در باره آن منتشر کرد که همان ماهیت بیانیه های قبلی را داشتند. از جمله بیانیه ۵ و ۱۵ مارس ۱۹۸۵ که درباره حمله به مناطق مسکونی بود با قطع

نامه ۵۸۲ که در ۵/۱۲/۶۴ پس از تصرف جزیره استراتژیک فاو از سوی ایران به درخواست عراق و هفت کشور حامی عرب آن صادر شد و در آن، بر اصل غیرقابل قبول بودن تصرف سرزمین از راه زور، تأسف از برخورد میان ایران و عراق، برقراری آتش بس، تأسف از کاربرد سلاح های شیمیایی، تبادل اسرای جنگی و موارد دیگر تأکید شده بود(۴۲) و ایران در پاسخ، آن را ناقص، بی اعتبار و غیرقابل اجرا دانست؛ زیرا، علی رغم استفاده های مکرر عراق از سلاح شیمیایی، در قطع نامه نام این کشور آورده نشده بود و هیچ تضمینی برای اعاده صلح در آن وجود نداشت. شورای امنیت در ادامه تلاش های خود، قطع نامه ۵۸۸ را در سال ۱۳۶۵ به دنبال بازپس گیری مهران از سوی ایران با ابراز نگرانی بسیار زیاد از تحولات جنگ منتشر کرد. در این قطع نامه، شورا از دبیرکل خواست تا با شدت بخشیدن به تلاش هایش برای استقرار صلح اقدام کند، ولی در این قطع نامه نیز مانند قطع نامه های پیشین، شناسایی متجاوز و پرداخت غرامت جنگ در نظر گرفته نشده بود؛ بنابراین ایران قطع نامه مزبور را به دلیل در نظر نگرفتن خواسته هایش نپذیرفت. سرانجام، در سال ۱۳۶۶، قطع نامه ۵۹۸ با تلاش قدرت های جهانی و ماه ها جلسات طولانی که ضمانت اجرایی داشت، تصویب شد. در این قطع نامه، به هر دو کشور با لحنی آمرانه دستور داده شده بود که بی درنگ، جنگ را پایان دهند. هم چنین، در آن، موارد دیگر قطع نامه های قبلی و نیز راهکار اجرای روند برقراری آتش بس نیز پیش بینی شده بود.(۴۳) آخرین قطع نامه شورا چند روز پس از برقراری آتش بس در ۴ شهریورماه ۱۳۶۷ به شماره ۶۲۰ درباره استفاده عراق از سلاح های شیمیایی تصویب شد که در آن، این کشور به علت کاربرد سلاح شیمیایی علیه ایران محکوم شده بود.(۴۴)

روند کلی قطع نامه ها و بیانیه های شورای امنیت سازمان ملل نشان می دهد که نهاد مزبور به علت آن که در زیر سیطره قدرت های بزرگی مانند امریکا، شوروی، فرانسه و انگلستان قرار داشت، نحوه عملکرد خود را براساس منافع و مصالح جهانی این قدرت ها تنظیم می کرد. مفاد این قطع نامه ها نشان دهنده آن است که تا قدرت ها با موضوع جنگ برخورد جدی نکردند، برخورد شورای امنیت نیز جدی نبود، اما زمانی که پیروزی های ایران صحنه جنگ را تغییر داد، قدرت ها و و به دنبال آنها، شورای امنیت برای حمایت از عراق جداً واکنش نشان دادند و در نهایت هم، شورای امنیت تحت سلطه ابرقدرت ها عزم خود را بر این نهاد تا جنگ را بدون برنده پایان بخشد؛ بنابراین، قطع نامه های ۵۸۸ و ۵۹۸ را در این راستا منتشر کرد.

ایران به منزله کشوری که در عرصه منطقه ای و جهانی در مقابل عراق متحدان چندانی نداشت، بالطبع می توانست به اقدامات شورای امنیت بسیار امیدوار باشد تا بدین ترتیب بتواند از حقوق خود دفاع کند، اما واقعیت نشان می دهد که در عمل این اتفاق نیفتاد و علی رغم استدلال های ایران درباره آغاز تجاوز از سوی عراق، کاربرد سلاح شیمیایی، حملات به مناطق مسکونی، حملات به کشتی ها در خلیج فارس و دیگر اقدامات غیرقانونی، شورای امنیت در عمل به خواسته ها و استدلالات مزبور توجه نکرد و تنها زمانی کمی نرمش از خود نشان داد که ایران در صحنه نظامی در موقعیت برتر قرار گرفت؛ بنابراین، ایران موقعیت مناسب و مطلوبی در سازمان ملل و شورای امنیت نداشت تا از آن، برای دفاع در مقابل عراق استفاده کند؛ در نتیجه، رفتار خود را چنین تنظیم کرد که برای احقاق حقوق خود در شورای امنیت و سازمان ملل باید در عرصه نظامی در موقعیت برتر قرار گیرد و هیچ چاره ای جز پیروزی نظامی بر عراق ندارد؛ زیرا، شورای امنیت حاضر نیست این واقعیت را که ایران مورد تجاوز قرار گرفته است، بپذیرد. بی اعتمادی به شورای امنیت و عملکرد آن یکی دیگر از مبانی رفتاری ایران در مقابل عراق بود که در پایان جنگ، به دلیل نقش مثبتی که دبیرکل ایفا کرد تا حدی کاهش یافت و به دنبال آن، جمهوری اسلامی ایران نیز قطعنامه ۵۹۸ را پذیرفت.

با بررسی جایگاه ایران در ساختار منطقه ای، نظام جهانی و سازمان های بین الملل، مشاهده می شود که در طول جنگ، نحوه عملکرد این سازمان ها و ساختار آنها ایران را در شرایطی قرار داده بود که از آنها انتظار حمایت نداشت. به عبارت دیگر، ایران در صحنه نظام بین الملل، از دوستان و حامیانی برخوردار نبود که برای حمایت از خود در مقابل عراق به آنها تکیه کند و این واقعیتی

بود که مبنای رفتار ایران در جنگ، یعنی اتکاء این کشور بدون توسل به فرصت های نظام بین المللی صرفاً به توان خودی قرار گرفت.

نتیجه گیری

با توجه به شرح مبانی رفتاری مزبور می توان به این نتیجه رسید که نحوه رفتار ایران در طول جنگ به دو صورت رفتار فعالانه دفاعی و رفتار واکنش دفاعی بود. رفتار نخست برخاسته از آموزه های دینی و ملی بود که تحت شرایط منطقه ای و جهانی قرار نمی گرفت؛ زیرا، تحت اصول ثابت دینی و ویژگی های ملی تاریخی پدید آمده بود که هنوز نیز تداوم دارد. رفتار دوم تحت تأثیر شرایط صحنه نبرد، عملکرد عراق، شرایط منطقه ای و جهانی قرار داشت. در این نوع رفتار، ایران بیشتر متأثر از نحوه برخورد و عملکرد عراق، کشورهای منطقه، قدرت های بزرگ و نیز سازمان های بین المللی بود، یعنی ایران با توجه به عکس العمل و مواضع آنها رفتار متناسب با آن را از خود نشان می داد.

در مجموع، به نظر می رسد با توجه به نقش آموزه های دینی، تأثیرات انقلاب اسلامی و آموزه های ملی، اهمیت و اولویت رفتار دفاعی فعالانه از سوی ایران بیشتر عملی بود. دلیل این امر، عدم امکان استفاده این کشور از شرایط سیاسی منطقه ای و جهانی و تلاش برای به دست گرفتن ابتکار عمل در صحنه نظامی بود. این رویکرد در رفتار دفاعی، باعث شد تا نیروهای ایرانی در صحنه نبرد به پیروزی های درخور توجهی دست یابند که در نتیجه آن، رفتار نظام جهانی و منطقه ای نسبت به ایران تا حدی تحول یافت. نمونه بارز این نکته را می توان در تغییر رفتار شورای امنیت، شورای همکاری خلیج فارس، امریکا، شوروی و دیگر کشورهای بزرگ در چهار قطع نامه ابتدای جنگ، پس از فتح خرمشهر، پس از فتح فاو و پایان جنگ مشاهده کرد، یعنی هرچه ایران در طول جنگ، به پیروزی های بزرگی دست می یافت، نوع رفتار آنها نیز تغییر می کرد و به اهمیت جایگاه ایران بیشتر واقف می شدند این امر باعث شد تا این کشور بتواند رفتار رقبای خود را اندکی تغییر دهد و آنها را به پذیرفتن بخشی از مواضع بر حق خود در پایان جنگ وادارد. فصلنامه نگین – شماره ۲

پاورقی

۱. سوره بقره؛ آیه ۱۹۰.

۲. سوره حج؛ آیه ۳۹.

۳. سوره نساء؛ آیه ۷۵.

۴. نهج البلاغه؛ خطبه ۲۷.

۵. عبدالرحمن فیصل، تجاوز دفاع از دیدگاه اسلا م، بازشناسی جنبه های تجاوز و دفاع، جلد اول، تهران: دبیرخانه کنفرانس بین المللی تجاوز و دفاع،۱۳۶۸، ص ۲۳۸.

۶. ر.ک. به: محمدحسین جمشیدی؛ مبانی و تاریخ اندیشه نظامی در ایران؛ تهران: دوره عالی جنگ سپاه، چاپ اول، ۱۳۸۰، صص ۵۸۷ – ۶۰۰.

۷. امام خمینی؛ رساله نوین؛ جلد چهارم. ص ۱۷۳.

۸. امام خمینی؛ صحیفه نور؛ جلد ۱۳، ص ۱۰۹.

۹. سیدعلی بنی لوحی؛ مبانی دفاع از دیدگاه امام خمینی در دفاع مقدس؛ تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۷۸، ص ۱۲۲.

۱۰. همان؛ ص ۴۰.

۱۱. ر.ک. به: محمد درودیان؛ از خونین شهر تا خرمشهر؛ تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۷۳، صص ۱۵۹ -۱۶۴.

۱۲. ابراهیم حاجیانی <؛ تحلیل جامعه شناختی هویت ملی در ایران و طرح چند فرضیه >فصلنامه مطالعات ملی؛ شماره ۵، پاییز ۱۳۷۹، ص ۱۹۷.

۱۳. همان، صص ۱۹۹ – ۲۰۶.

۱۴. مهدی انصاری و دیگران؛ خرمشهر در جنگ طولانی؛ تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۷۷، ص ۱۱۸.

۱۵. همان، فصول اول تا پنجم.

۱۶. ر.ک به: همان، فصل اول.

۱۷. محمد درودیان؛ آغاز تا پایان؛ تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۷۶، ص ۱۶.

۱۸. همان، ص ۱۸.

۱۹. همان. ص۱۶.

۲۰. همان، ص ۱۵.

۲۱. همان، ص۱۷.

۲۲. مهدی انصاری؛ پیشین؛ فصول اول تا هفتم.

۲۳. یحیی فوزی <؛ ابعاد به کارگیری سلاح شیمیایی توسط عراق، و واکنش مجامع بین المللی >مجموعه مقالات: انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی و نظام بین الملل، تهران: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶، ص ۸۶.

۲۴. محمد درودیان؛ جنگ بازیابی ثبات؛ تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۷۸، ص ۲۵۰.

۲۵. محمد درودیان؛ پایان جنگ؛ تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۷۸، صص ۱۳ – ۱۳۶ و ۱۷۵ – ۱۸۸.

۲۶. هادی نخعی <؛ شورای همکاری خلیج فارس >مجموعه مقالات: سازمان های بین الملل و جنگ ایران و عراق؛ تهران: دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه، ۱۳۷۴ صص ۱۱۷ – ۸.

۲۷. همان، صص ۱۱۷ – ۱۴۳.

۲۸. همان، ص ۱۳۲.

۲۹. بهمن نعیمی ارفع؛ مبانی رفتار شورای همکاری خلیج فارس در قبال جمهوری اسلامی ایران؛ تهران: وزارت امورخارجه، ۱۳۷۰، صص ۷۷ – ۹۰.

۳۰. رحمان قهرمان پور <؛ دلایل و ریشه های موضع گیری ترکیه در جنگ ایران و عراق >فصلنامه نگین، شماره ۱، تابستان ۱۳۸۱، ص ۵۰.

۳۱. همان، صص ۵۶ – ۵۸.

۳۲. علی اکبر علیخانی <؛ مواضع و عملکرد نظام بین الملل در قبال جنگ عراق علیه ایران >مجموعه مقالات: انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی و نظام بین الملل؛ تهران: سازمان تبلیغات اسلامی ۱۳۷۶، صص ۱۷۰ – ۱۷۱.

۳۳. همان، صص ۱۷۲ – ۱۷۳.

۳۴. همان، ص ۱۷۵.

۳۵. همان، صص ۱۷۸ – ۱۸۰ و حسین یکتا <؛ مواضع قدرت های بزرگ و جنگ ایران و عراق >مجموعه مقالات: جنگ تحمیلی؛ تهران: دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه، ۱۳۷۳، صص ۱۷۹ – ۱۸۵.

۳۶. علی اکبر علیخانی؛پیشین؛ ص ۱۷۷.

۳۷. حسین یکتا <؛ سازمان ملل متحد >مجموعه مقالات سازمان های بین المللی و جنگ ایران و عراق، تهران: دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه، ۱۳۷۴، صص ۸۸ – ۸۹.

۳۸. همان، ص ۹۱.

۳۹. همان، ص ۹۱ و عباس هدایتی خمینی؛ شورای امنیت و جنگ تحمیلی؛ تهران: وزارت امورخارجه ۱۳۷۴، صص ۸۱ – ۸۸.

۴۰. حسین یکتا؛ سازمان ملل متحد؛ پیشین، ص ۹۵.

۴۱. همان، صص ۹۶ – ۹۷.

۴۲. عباس هدایتی؛ پیشین؛ صص ۹۳ – ۱۰۲.

۴۳. حسین یکتا؛ سازمان ملل متحد؛ پیشین، ص ۱۰۱.

۴۴. همان، ص ۱۰۵.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ فی سَبيلِ اللَّهِ ذلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱ ۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».





برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹